



نقد و بررسی

# کتاب فرزانه ۱۰

تحت نظر هیئت تحریریه

با همکاری: هرمز همایون پور

مدیر اجرایی و فنی: علی دهباشی

این ویژه نامه، به صورت متناوب، به پیوست نشریه بخارا منتشر می شود.

## فهرست مطالب

مقالات: مجلس شورای کبیرای دولتی / دکتر سید محمد دبیر سیاقی - مفهوم  
اعتدال و عدالت در اندیشه سعدی / دکتر اجمیان نراقی - دربار و شاهنامه / پرویز  
اتابکی - شعر شاملو، جلوه گام مفاهیم نمادین / فرزین عدنانی - از هزاره پیشین /  
دکتر محمد جعفر باجفی

خاطرات فرهنگگر: خاطراتی از کلاس درس استاد فروزانفر / دکتر احمد

مهدوی دامغانی

کتابهای خارجی: ایزابل آلبده و دختر سرنوشت / مینو مشیری - شهر

خدا / دکتر هرمز همایون پور

در این دنیای بزرگ... / آزاده همایون پور

کتابهای داخلی: سالهای پر آشوب / دکتر مهدی پرهام - جامعه و دولت /

دکتر ایرج علی آبادی - آئینه آفاق (نگاهی به سفرنامه فرنگ حاج سیاح) / مسعود

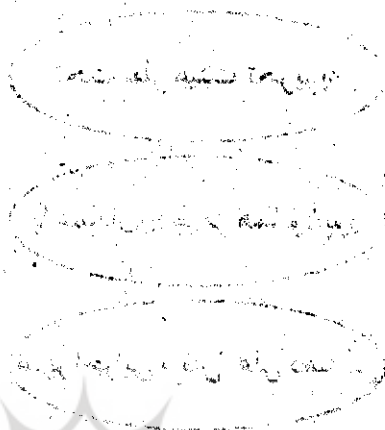
رضوی

# مجلس شورای کتابخانه دولتی

سید محمد دبیر سیستانی

تاریخ: ۱۳۲۶

روز: پنجشنبه



پس از به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی (در ۲۲ جمادی الاولی سال ۱۳۲۶) و کشته یا تبعید یا زندانی شدن گروهی از آزادیخواهان و آغاز گشتن دوره استبداد صغیر چنانکه در تاریخ مشروطه آمده است محمدعلی شاه قاجار مجلسی از رجال دربار و اعیان و بازرگانان تشکیل داد تا به گمان خود آن مجلس با رعایت موازین مختص به کارهایی که مجلس شورای ملی در حکومت مشروطه انجام می داد، بپردازد و از مرحوم عزالدوله عبدالضمد میرزا فرزند محمدشاه و برادر ناتنی ناصرالدین شاه خواست که ریاست آن مجلس را داشته باشد. از میان یادداشت‌هایی که مرحوم عزالدوله درباره زندگانی خود نوشته است آنچه را که آن مرحوم درباره این مجلس به قلم آورده است با اجازه دوست دانشمند جناب آقای مسعود سالور نواده آن مرحوم بیرون نویس کرده‌ایم و با مقدمه‌ای از تاریخ مشروطه در همین باب تقدیم خوانندگان گرامی می‌نماییم، باشد که گوشه‌ای از تاریخ دوران اخیر ایران را روشنتر و داوری مورخان و محققان را در مورد دست‌اندرکاران وقایع آن زمان دقیقتر و با واقع منطبقتر سازد؛ اینک مقدمه از تاریخ مشروطه (ص ۸۲۶ تا ۸۲۸):

«مجلس شورای کبرای دولتی - محمدعلی میرزا چون مجلس را به توپ بست برای بستن زبان دولتهای اروپا چنین وانمود که مشروطه را برنینداخته و تنها مجلس را برهم زده و پس از سه ماه مجلس باز خواهد شد. لکن چگون سه ماه پایان یافت این بار هم به دو ماه دیگر نوید داد. در دوم مهرماه (۲۸ شعبان) فرمانی به نام صدراعظم [میرزا احمدخان مشیرالسلطنه] بیرون داد، در این زمینه، که چون مجلس در نوزدهم شوال باز خواهد شد باید زمینه آنرا آماده گردانید... پس چون دو ماه نیز

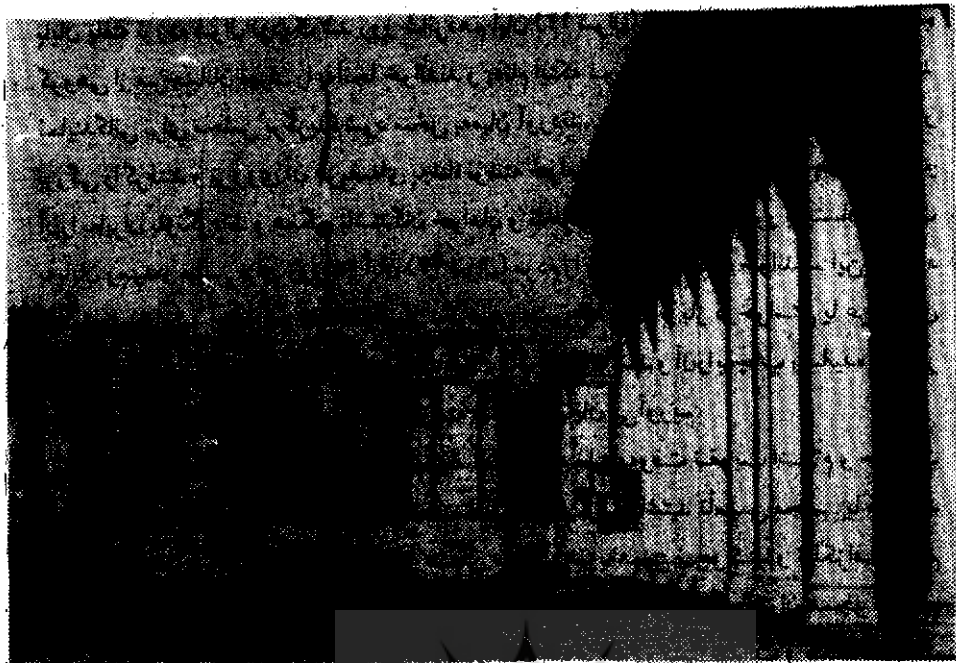
پایان یافته نوزده شوال نزدیک شد روز شانزدهم آبان (۱۲ شوال) در آن روز که در آن روز گروهی از سرجنابان تهران را به آنجا خواندند و به نام اینکه نوبت آن است که در آنجا نمایندگانی برای مجلس برگزیده شود سخن به میان آوردند. به این ترتیب که در آن روز بزرگی را گرفتند و بر روی آن هر ضعیف‌های به شاه نوشته خواستند که در آن روز مجلس را به آنرا به ایران بازگرداند و همگی باشندگان خواهان و ناخواسته آنرا به آنجا بفرستند و به نسیان نیست به پایان رسید و سپس برای روز ۲۸ آبان (۲۴ شوال) مردم را با آن نوبت خواندند. این روز خود محمدعلی شاه نیز آمد و در آنجا گفتگو از خواستن مشروطه رفتار و باز خواستی یا هر ضعیفی به نظر مردم رسانیدند و چنین نهاده شد که شاه بالای آن پاسخ نویسد و آنرا به چاپ رسانیده در شهر پراکند. این کار را انجام دادند و ما اینک نوشته شاه را در آخر پایان می آوریم:

بسم الله الرحمن الرحیم  
محمدعلی شاه سلطان محمد علی اسلام صلوات الله تعالی علیهم اجمعین  
حضرت نبوی (صلوات) بزرگوار و هست خال که لشکوف نداشتید تأسیس مجلس با قوا و احکام اسلام کفایت و حکم به حرمت دادید و علمای متهاک هم به همین نحو کتبا و تالکرافاً اسلام به حرمت نمودند در این صورت ما هم از این خیال بالمره منحرف و دیگر عنوان همجو مجلس نخواهد شد. لیکن به توجهات حضرت امام زمان عجّل الله فرجه در نشر هدایت و بسط سعادت دستور العمل لازم داده و می دهیم تا آن جنابان تمام طبقات را از این عزم خسروانه ما در نشر معدلت و رعایت حقوق رعیت و اصلاح مفاسد بقانون دین مبین اسلام حضرت خاتم النبیین (صلعم) اطلاع بدهند. محمدعلی شاه قاجار.

۳۰۹

با همین رویه کاریهای خنک که کوتاه شده آنرا آوردیم، خود را دل آسوده گردانیدند و محمدعلی شاه بهانه‌ای به دست آورده از نویدی که درباره باز کردن مجلس داده بود بیگبار سر باز زد لیکن با فهم و اندیشه کوتاه خود بر آن شد که مجلسی به نام «مجلس شورای کبرای دولتی» از درباریان و اعیان و بازرگانان پدید آورد، که در دربار نشینند و به کارهای دولتی به سگالش و گفتگو پردازند و این خود جانشین دارالشوری باشد. از این رو پنجاه تن کمابیش از آن کسان را فهرست کردند و به هر یکی نامه فرستاده به باشندگی در آن مجلس خواندند که روز یکشنبه هشتم آذر (۲ ذی قعدة) که روز گشایش آن مجلس خوانستی بود به دربار روند و پس از آن هفته‌ای دو روز در مجلس باشند و گفتگو کنند. نامهای آن کسان در روزنامه‌ها برده شده ولی ما نیازی به شمردن آنها نمی بینیم و چنانکه دانسته ایم این مجلس تا دیری برپا می شد و پیداست که جز گفتگوهای بیهوده‌ای به میان نمی آمد و باشندگان بیش از همه به خود فروشی و برتری جویی به یکدیگر می پرداخته‌اند. یکی از باشندگان صدرالسلطنه<sup>۱</sup> می بوده که تا چند سال پیش در تهران می زیست. او یکی از درباریان بنام شمرده می شد و زمانی هم به سفارت در امریکا رفته بود. نوشته‌ای از این مرد در دست است کوتاه شده آنرا در پایین می آوریم:

«هو غزلی که باید انشاء الله تعالی روز سه شنبه در مجلس شورای مملکتی صدرالسلطنه از حفظ برای امین دربار<sup>۲</sup> در ملاً بلند با کمال رشادت بخواند بدون اندیشه:



گناه کردن پنهان به از عبادت فاش اگر خدای پرستیز هواپرست مباح

غزل را تا آخر آورده است و آنگاه چنین می نویسد:  
همانا امین دربار در نشست پیش با پانسخی حاجی صدرالسلطنه را آورده است، این چون به خانه برگشته این غزل سعدی را که هفده بیت است از بی کرده است که در نشست دیگری در ملا بلند با کمال و شادیت هم برای او بخواند و کینه خود را بجم بد از اینجا تران پنداشت که همچو بزهای دیگر اعیان و درباریان، بیشتر گفتگوها در آن مجلس شورایی کبری شعر خواندن و به هم دیگر نیش زدن و هنر خود را نشان دادن بوده است.

و اما یادداشت شاهزاده عزالدوله درباره مجلس شورای کبری دولتی:  
شنبه ۱۲ شوال ۱۳۲۶ - امروز در بخت خانه باید رفت، مؤیدالدوله از جانب سنی الحوائج نوشته اند، یک ساعت بعد از ظهر رفتیم به باغ شاه شرفیاب شدیم، مؤیدالدوله هم بود. فرمودند نشست اظهار التفات می فرمودند که شما را برای همین خواستیم و این مجلس برای این است که من وعده داده بودم مجلس وکلا و شورا ترتیب بدهم، لیکن از همه ولایات و همه جا تلگراف می رسد که ما مشروطه نمی خواهیم، من خواستم مجلسی شود که همه باشند و عرایض خوانده شود و بدانند، من آنچه می دانستم عرض کردم که البته چنین مجلسی هیچ کس نمی خواهد، هر کس بخواند خیانت به دین و دولت است. بعد وقتیم به مجلس در جادری بود، وسعت داده بودند، مؤیدالدوله نیرالدوله، صدر اعظم آمد. بعد از نشستن علاءالملک آمد که علما آن طرف هستند، ما هم گفتیم



همایونی به کلیه عراض و شکایات و هوائز وزارتخانهها رسیدگی نمایند قانونی هم نوشته بودند  
خواننده شده چند باب است، باید جواب کنند نظرها دادند. بقول یک مخاطب بر خاسته از اجتماع مجلس  
بود.

تسا حال، سنه سیخ ذی حجه ۱۳۲۶ - ۲ در جماد ثانی ۲۳ زانیه به بمجلس نرفتم. حاج  
نصیر السلطان پیشرفت با کتبه صلوات و دستخط مبارک و از زمانه مجلس صدر السلطان خواننده  
بر خاسته همه اهل مجلس شکرند که با اطلاق آراء و رایزین مجلس خواننده اهل حضرت  
همایونی قبول فرموده دستخط صلوات فرمودند. عراض مغرکه در باب کهن، بر لعل و زبانه شیدن کابل  
بانک<sup>۱۸</sup> شرحی نوشتند و کمیونین مرکب از چهار نفر معین شد که به عراض برسند و مجلس از  
قبل و حال آسوده بماند. یک و نیم پانزوییدمانند بر خاستیم، متن دستخط محمد علی شاه قاجار در  
تأیید رأی مجلس شورایی کبرای مملکتی در باب ریاسته جزالدوله چنین است: **مجلس شورایی کبرای مملکتی**  
**مجلس شورایی کبرای مملکتی** انصاف فرمود که هم آرزو چمنند کلمات و الا تبار جزالدوله را  
به اکثریت آراء به ریاسته مجلس انتخاب و تصویب نمودند صحیح است، ما نیز بهاضای جوابید  
مجلس و اکثریت آراء ریاست هم معری الیه را به موجب این دستخط تصدیق فرموده امر و مقدر  
می فرمائیم که معری الیه را به ریاست این مجلس شناخته احترامات او را فرمود این مقام بر هر  
منظور دارند و در عهده بنامند. ۲۰ شهری الحجه الحرام<sup>۱۹</sup> یعنی اول ۱۳۲۶ (۱۳۲۶) است.

نامده مشیر السلطنه صدراعظم به شرح زیر است:

قریبات شوم، یک طغرا دستخط آفتاب نقطه ملو کانه، ارواحنا فیه در ریاست مجلس شورایی  
کبرای مملکتی شهادت ارکانه که بعنوان حضرت مستطاب اشرافه والا اصلدار یافته است لفا تقیه  
از روی خلوص عقیدت این مرجع شاهانه را بر حضرت اشرف والا تبریک عرض می کنند زاهد  
رحمت، شهری صحیح است که به عراض رسیده است و به عراض رسیده است و به عراض رسیده است  
اینک نظامنامه مجلس که به نام تکالیف مجلس شورایی کبرای مملکتی تنظیم شده است، به  
اول تمام دستور العمل و نظامنامه وزارتخانهها و در این دولت که وزیر بنا رئیس آن اداره  
به مجلس خواهد داد، در مجلس به نظر وقت ملاحظه شده و اگر صحیح نوشته اند تصدیق والا  
بطوریکه لازم است تصحیح شده به عرض و امضای شاهنشاهی می رسد پس او انصافی میبارک  
رسیدت پیدا نموده و به موقع اجرا گذارده می شود. شاهنشاهی رسیده است و به عراض رسیده است  
دوم - به شرح اجازت همایونی آنچه از مصالح مملکت است در این مجلس گفتگو و وقت  
کرده صورت قرارداد و حاصل نتیجه و به عرض حضور نوز شاهنشاهی می رسد. شاهنشاهی رسیده است  
سوم - خرج و دخل مالیات هر سال را در این مجلس باید هفته نمایند و آنچه باقی میماند  
به عرض ملو کانه برسانند.

چهارم - این مجلس در خصوص امنیت و بنا کیزگی طرق و شوارع و معابر و ساختمان  
بیمارخانهها و ساختن پلها و گرفتن حق مرود از آنها، علاوه کرد مالیات و نظیفه دکان و تشکیل  
محاکم مجازات و امور تجارت و ذوات را پیشرفت و سمت دادن صلاحات نموده به عرض

برساند و اجرای آن را از رؤسای آنها بخواهند و در اجرای هر یک از امور فوق که از فقرات مذکوره بیان شد نباید ملاحظه نمایند و هر گاه در جریان آنچه رأی داده شد متعین بمانند باید به عرض حضور شاهنشاهی برسانند.

پنجم - تمام اعضای این مجلس از رئیس و دو نفر نایب رئیس به اراده اعلی حضرت همایون شاهنشاهی تعیین و انتخاب شده با فرمان یا ابلاغ برقرار خواهند شد.

ششم - چنانچه امر مهمی پیدا شود رئیس مجلس به مناسبت آن امر الخاصی را از اعضای مجلس تعیین و انتخاب خواهد کرد که به آن امر رسیدگی کرده حاصل و نتیجه تحقیقات را به مجلس بدهد.

هفتم - چه در مذاکره مطالب مهم و چه در انجام عموم کارها چون متوط به اکثریت آراء خواهند بود هر گاه در انجام مطلبی به اکثریت آراء آشکارا حاصل نشود به قرار مخفی اکثریت را حاصل خواهند کرد.

هشتم - هر گاه رئیس مجلس حاضر نباشد یکی از دو نفر نایب که متعین شده است زینست می کنند.

نهم - خلاصه تمام مذاکرات مجلس که به اتفاق آراء بر آن باشد می باید به عرض حضور اقدس همایون شاهنشاهی برسد.

دهم - هر یک از اجزاء مجلس در هر رتبه که باشند در خصوص رأی دادن و صلاح دولت و ملت را بیان نمودن حقوق و تکلیفات مساوی است.

یازدهم - کمپانیها و اشخاصیکه می خواهند راهها را بسازند و یا نهر بیرون بیاورند یا حفرتات هدهه نمایند یا در سطح کشتیرانی کنند یا هر نوع کارخانه بیاورند یا بعضی شرکتهای مفید نمایند یا معدن پیدا کنند، شرایط و تعهدات و قراردادهای اینها تماماً در این مجلس خوانده می شود و بعد از جرح و تعدیل و قبول شدن به اکثریت آراء به عرض همایون می رسند.

دوازدهم - هر یک از فقرات و مطالبی که در مجلس مذاکره می شود هر گاه راجع به بیگ و وزارت و یک اداره یا حکومتی بوده باشد باید از آن دایره یک نفر را رسماً احضار نموده در حضور او گفتگو کرده یا شخصی که وکیل حاکم است حاضر ساخته آنوقت شروع به مذاکره نمایند.

سیزدهم - هر گاه جهت دولت مخارجی به هم می رسد و از هر نوع که بوده باشد اگر زیاده از پنجمزار تومان باشد، قرار آن در مجلس شورا داده می شود و به عرض می رسد.

چهاردهم - در هر یک از ادارات دولت هر گاه یک مسئله محل اختلاف شود که اجزاء آن اداره همراى نشوند، حل آن مسئله راجع به این مجلس خواهد بود.

پانزدهم - رجوعات مجلس از دو قسم خارج نیست یا مسائل و مطالبی است که از طرف قریب الشرف اعلی حضرت شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه و از جانب صدارت عظمی رجوع به مجلس خواهد شد، یا عراضی است که مستقیماً به مجلس داده می شود. آنچه رجوعات دولتی است که به شرح فصول سابقه ختام آنها به عرض شما گفتمی مبارک رسیده بعد از امضای همایونی موقع



اجرا پیدا خواهد کرد و آنچه در این خصوص است که مستقیماً داده می شود کلیتاً در مجلس قبول خواهد شد.  
 شد چنانچه بدو ارجح به دو ایراد متناهی خود شده و در آنجا قهری رفته است یا حضور رئیس یا  
 مدیر آن اداره مجدداً در این مجلس مذاقه و رسیدگی خواهد شد، اگر معلوم شد در آن اداره قصور یا  
 تقصیر یا غرض شده باشد باید از تحقیق و تعیین جزا به عرض خلکای مبارک رسیده حکم آن از  
 پیشگاه همایونی صادر و مقرر خواهد شد و الاً اگر بدون رجوع به محل مناسب خود مستقیماً  
 عرض به مجلس رسیده باشد از مجلس آن عرض به محل و اداره مقتضی خود فرستاده شده پس از  
 استیذان از آستان همایون اجرای آنرا از اداره هر جوعه بخوراند.  
 شائزدم - خلاصه کردن مطالب و نوشتجات تکلیف منشی یا یکی از اعضای این مجلس است  
 کاتبه تصویب رئیس و معین خواهد شد و شخص خارج از اجراء این مجلس نمی تواند مداخله در این  
 کار نماید.  
 هفدهم - آنچه خلاصه می شود تاریخ آنها و نوع مطلب آنها در دفتری فهرست مانند نوشته شده  
 در دفتر مجلس مرتب و ضبط می شود.  
 هیجدهم - مادامی که بیشتر اجزاء مجلس حاضر نباشند شروع به گفتگو نمی شود.  
 نوزدهم - بعد از ختم هر مسئله که صورت مجلس آن باید از مجلس نوشته شود میوه می کنند  
 و می خوانند بعد از تصحیح به منشی داده پاک نویس می کنند و مسوده ها را ضبط می نمایند و  
 پاک نویس شاه را به مهر رئیس و اعضا رسانیده نزد صدر اعظم می فرستند هر گاه رئیس در مجلس  
 حاضر نباشد مهر مخصوص شورای دولت را عوض مهر رئیس می زنند.  
 بیستم - مهر مجلس که به سجع و مجلس شورای کبرای مملکت است حاضر شده در جمعی  
 مخصوص ضبط می شود و در موقع لزوم امهار آنرا ملاحظه کرده جمیع ربا و مهر را استعمال  
 می نمایند.  
 بیست و یکم - مجلس شورای مملکت هر هفته ای در روز شنبه و سه شنبه منعقد می شود و هر گاه  
 ضرورتی پیش آید در غیر روزهای معین به حکم رئیس اعضاء مجمع و مجلس تشکیل خواهد شد.  
 بیست و دوم - هر یک از اعضا که عذری داشته باشند و نتوانند حاضر شوند باید به مجلس اطلاع  
 بدهند.  
 بیست و سوم - هر گاه رسیدگی به اجراء یکی از نوکرهای بزرگ یا یکی که به عیال متهم  
 شده باشند و به مجلس رجوع شد آن شخص متهم بزه در راه نهمی که به او زدن بار او همانند از او  
 سؤال می شود که هر چه در مقابل دارد بگوید بعد از آن شروع به مذاکره می شود و نوشته تقصیر  
 آنها با رای دادن در ثلث اجزاء مجلس می شود.  
 بیست و چهارم - هر مطلب و مسئله که مهم و اشکال داشته باشد دو سه روز قبل از مذاکره در  
 مجلس باید نوشته شده به اجزاء مجلس تقسیم کرده تا اطلاع الاین خود را کرده در وقت مذاکره  
 حاضر جواب باشند.  
 بیست و پنجم - وقتی که به مذاکره شروع می شود هر گاه یکی از اجزاء در یکی مطلب بخواند

حرفی بزند یا وقتی که یکی حرف می زند یکی بخواهد در مقام جواب بآید یا یک چیزی در آن خصوص به خاطرش خطور نموده بخواهد بیان نماید او رئیس المأمورین حاصل نماید و مادامی که یکی حرف می زند حرف را تمام نکرده دیگری نباید شروع به حرف زدن نماید.

یست و هشتم - این مجلس مکلف است که به احوال و امور تمام فقرا و ضعیف اهالی مملکت ذکور و اناثا مواظبت نامه داشته ترتیب آسایش و رفاه عمومی را به هر طور مقتضی و مناسب دانند تمهید کرده به عرض خاکهای همایونی رسانیده اجرای آن را در پیشگاه شاهنشاهی درخواست دارند و بگذارند بهیچ وجه ظلم و تعدی بر اجلی وارد شود.

یست و هشتم - مجلس شورای مملکتی را صدر و ذیلی نیست. جز رئیس و دو نفر نائب رئیس که مقام مخصوص دارند سایر اعضا نباید به تفاوت صدر و ذیل مقید شوند، بهر جا که جلوس نمایند تفاوتی نخواهد داشت.

یسمه تبارک و تعالی - نظامنامه مجلس شورای مملکتی بطوریکه نوشته است صحیح است. ۴ محرم ۱۳۲۷ محمدعلی شاه قاجار امضا.

\*\*\*

۲۱۵

قهرمان میرزا عین السلطنه سالور پسر دوم عزالدوله در روزنامه خاطرات خود، در خصوص نظری که پدرش به مجلس شورای کبرای مملکتی داشته و نامه ها که درباره اوضاع مملکت به شاه نوشته بوده است چنین می نویسد:

۱ جمعه ۲۵ ربیع المولود ۱۳۲۷ صبح حضرت والا (مقصود عزالدوله است) مرا اندرون خواست. عریضه به خاکهای مبارک عرض کرده بودند سه صفحه بود. دیگر آنچه از پیرو استاد می دانستند نوشته بودند، آیه، حدیث، شعر، حکایت، حتی قربان صدقه رفته بودند که اعلی حضرت شهریاری؛ این مملکت را اجداد شما به هزار زحمت و خونریزی به جنگ آورده اند شما رایگان ندهید. به شما خیانت می کنند. دروغ می گویند... منتظرند که بیایند طهران و باغشاه که شرعاً دفاع کرده باشند. وقتیکه آمدند ملاحظه کنید بر شما چه خواهد گذشت. پس چاره کنید. شور کنید. خیلی مفصل و جامع من عرض کردم عریضه صحیح است و مطالب بزرگ اما چه ثمر دارد. اوقات حضرت والا تلخ شد. گفتم تغیر نفرمائید از سه روز بعد از برهم خوردن مجلس (مجلس شورای ملی) تا امروز ده عریضه به شاه عرض کرده اید، اوایل به گوشه و کنایه تا امروز که واضح و بی پرده باشد، یکی از آنها را جواب نداد. شاید خوشش هم نیاید ورنجش حاصل کند. کاشه گرمتر از آتش نشوید. اما عصر باز احتضارم کردند و فرمودند: طاقت نیاورده نوشتنم و روانه داشتم.

از ابتدای تشکیل مجلس شورای کبرای مملکتی عزالدوله متوجه بیهودگی این مجلس بود لذا در تاریخ نهم ذی القعدة ۱۳۲۶ چنین می نویسد: «به مجلس شورا راقم برگشتم. به نظر معنی ندارد. اسباب زحمت است و فایده مترتب نیست.»

در جای دیگر می نویسد: «پنجشنبه ۷ جمادی الاولی ۱۳۲۷ دولت بعد از برهم زدن مجلس شورا می بایستی قرار درستی بدهد، قانونی بگذارد، مجالسی بسازد. همه را به حرف گذرانیدند. مشیرالسلطنه ندانست چه کند. امیربهادر<sup>۲۰</sup> نخواست اقتدار او کم شود. به خیالات سابق شدند دفع ستار تبریزی را هم نتوانستند بنمایند تا از اصفهان بختیاری آمد، بعد رشت قفقازی و سپهدار آمدند. این وضع شده است حالا هر چه می دهند قناعت ندارند. بر طمع و شرارت می افزایند. روس و انگلیس هم به پولتیک خود رفتار دارند. عاقبت بیچاره مردم بدبخت ایران معلوم نیست که چه ذلت و بدبها خواهد کشید.»

«جمعه ۸ جمادی الاولی ۱۳۲۷ در کمیسیون عصرها بودند، کمیته واسطه دیروز موقوف شده بود. حرف شنوی نداشتند. از هر طرف به میل خود خواستهها دارند. کتابچه انتخابات تمام شد<sup>۲۱</sup> امروز سه چهار نفر برای تنقیح عبارات جمع می شوند که بعد خوانده شده چنان شود<sup>۲۲</sup>. روز شنبه سعدالدوله<sup>۲۳</sup> را دیدم «بیر حضور<sup>۲۴</sup> بود او می گوید مجلس باید انتخابات ستار را بپذیرد لکن خیلی بد مجلسی است. انتخابات سنا هم معلوم نیست به چه ترتیب است. مردم به میل خود ترجمه های بیفایده کرده به میل خود حرف می زنند. آخر الامر لغو است. من که شمیران بروم از این مجلس استعفا نمایم. معطلی و نامالایم است. شاه پریشان خاطر، وزراء بی تدبیر، اجانب قوی، اشرار مشغول خرابی دهات و گرفتن تنخواه و کشتن مردم می باشند.»

عزالدوله در ۲۴ جمادی الاولی استعفای خود را به حضور محمدعلی شاه می فرستد و در قبول آن اصرار می کند پذیرفته نمی شود. ولی با پیش آمد رفتن محمدعلی شاه به سفارت روس مجلس خود به خود منحل می گردد. عزالدوله از ۱۳ جمادی الاولی که به شمیران می رود دیگر در مجلس حضور نمی یابد.

#### یادداشتها:

۱. صدرالسلطنه، حاج حسینقلی خان مستمدالوزاره و بعداً صدرالسلطنه، پسر چهارم میرزا آقاخان صدراعظم نوری است. ابتدا در وزارت دارائی به کار پرداخت و سپس به وزارت خارجه رفت و ژنرال قنصل ایران در بمبئی شد و در ۱۳۰۵ وزیر مختار ایران در واشنگتن گردید. یک سال بعد او را از امریکا بیرون کردند زیرا در سفارتخانه شخصاً در عید قربان گوسفند ذبح کرده بود. در ۱۳۱۰ وزیر فوائد عامه شد. مردی ممسک، متمول، خوش خط بود و گاه شعر می گفت اما مهمل از جمله در قتل ناصرالدین شاه ساخته بود.

آن میرزا رضای قد کمانچه بر شاه شهید زد طیانچه

از کارهای مضحک او این بود که کاشی های بیضی شکلی بر سردر خانه و درشکه خانه و بناهای دیگر متعلق به خود کار گذارده و روی همه نوشته بود «صدرالسلطنه».

۲. امین دربار، میرزا هاشم خان از درباریان دوره ناصری و مظفری و محمد علیشاه و منشی شورای کبری مملکتی و پدر محقق الدوله دومین رئیس مدرسه سیاسی.

۳. مؤیدالدوله، ابو الفتح میرزا پسر بزرگ سلطان مراد میرزا ششام السلطنه حاکم وقت تهران.
۴. سنی الجوانب، عالی و بلند مرتبه و تابان و درخشان از همه جانب مراد شاه است.
۵. تیرالدوله، سلطان حسین میرزا پسر پرویز میرزا تیرالدوله پسر پنجاه و سوم فتحعلی شاه متوفی ۱۳۳۶ قمری.
۶. صدراعظم، میرزا احمدخان منشی باشی، مشیر السلطنه، صدراعظم دوره استبداد صغیر.
۷. علاءالملک، میرزا محمودخان فرزند حاجی میرزا علی اصغر مستوفی فرزند میرزا رفیع جد خاندان دیبا، سفیر ایران در پترزبورگ و استانبول، وزیر علوم در ۱۳۳۳ و وزیر دادگستری در ۱۳۲۵ قمری، متوفی به سال ۱۳۳۲ قمری (۱۴۰۴ شمسی).
۸. عمیدالدوله، تاج الدین میرزا، پسر کیومرث میرزا پسر قهرمان میرزا برادر تنی محمد شاه قاجار.
۹. نایب السلطنه، کامران میرزا امیرکبیر پسر سوم ناصرالدین شاه.
۱۰. نظام العلماء، برادر علاءالملک و از علمای آذربایجان.
۱۱. فرمانفرما، عبدالحسین میرزا فرزند فیروز میرزا نصرت الدوله پسر شانزدهم عباس میرزا نایب السلطنه از رجال دوره قاجار است و پس از مشروطه نیز یک بار به نخست وزیری رسیده است.
۱۲. میرزا رضاخان گرانمایه مؤید السلطنه از رجال دوره قاجار و سفیر ایران در آلمان.
۱۳. عبدالله خان ساعدالملک قره گزلو، سردار اکرم، امیر نظام پسر مصطفی قلی خان اعتماد السلطنه از خواتین قره گزلی همدان و از مالکان و ثروتمندان درجه اول آن زمان.
۱۴. جلال السلطان، شناخته نشد.
۱۵. عمارت خورشید. عمارتی واقع در پشت تخت مرمر که مدتی دیوان کبیر و سپس مرکز شیر و خورشید بود و حالیه قسمت اقتصادی وزارت دارائی است با بنای جدید.
۱۶. نظام الملک، میرزا عبدالوهاب خان فرزند میرزا کاظم خان نظام الملک اول و نواده میرزا آقاخان صدراعظم متوفی در ۱۳۳۵ قمری.
۱۷. تعلق افتتاحیه محمد علی شاه که بوسیله صدراعظم خواننده شده است به نقل از کتاب نارنجی که حاوی گزارشهای سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران است، چنین است:  
بسم الله الرحمن الرحیم. از آنجاکه بدون اذن خداوند متعال افکار ما مدام در جهت رفاه و خیر همه رعایای ما می باشد و بدون انتظار درخواست طالبان و اصرار اصرار کنندگان نشر عدالت و آرامش در کشور را هدف خود قرار داده ایم و به حکم قرآن 'یاداود انا جعلناک خلیفه فی الارض الخ' در قصر خودمان که پناهگاه عدالت است امر به تشکیل مجلس خاصی نمودیم تا درهای عدالت به روی همگان باز و درهای زور و تجاوز در همه جا بسته گشته و در هیچ جا احکام شریعت نقض نگردند.  
بنابراین این مجلس در تالار خورشید جلسات خود را تشکیل خواهد داد و این دستورالعمل پس از چاپ باید برای همه انتشار یابد تا تمام مردم ایران وظیفه خود بدانند که از صمیم قلب برای سعادت ما دعا نموده در امتیت و آرامش کامل با درک کامل وظائف، رعایا به کشاورزی و صنعت بپردازند. اول ذی قعدة ۱۳۲۶ء.
۱۸. کاغذ بانک، مراد اسکناس است.
۱۹. پیچی نیل. سال میمون. سال نهم از دوره دوازده ساله سالشماری ترکان. این سالها تا سال ۱۳۰۵ شمسی در ایران دائر بود. در فروردین سال مذکور به موجب قانونی که از مجلس شورای ملی گذشت لغو گردید.
۲۰. امیر بهادر، حسین پاشاخان سردار و وزیر دربار مظفرالدین شاه و وزیر جنگ محمد علی شاه متوفی در ۱۳۳۶ قمری در تهران.
۲۱. در ربیع الثانی ۱۳۲۷ شاه تقیج قانون اساسی و تهیه نظامنامه مجلس شورای ملی و سنار را به این مجلس

محول کرد و اشخاص ذیل از بین اعضاء مجلس برای این کار به قید قرعه انتخاب شدند: آقایان، مشیرالدوله (میرزا حسن خان)، مؤتمن الملک، علاءالملک، علاءالسلطنه، مستشارالدوله، مهندس التماک، وزیر علوم، شاهزاده مؤیدالسلطنه، عمادالسلطنه، عمیدالدوله، نهریم السلطان، معین<sup>۱</sup> و له<sup>۲</sup> آقا سیدجعفر گلستانه و نظم الدوله.

۲۲. پس از تهیه قانون اساسی و نظامنامه‌ها یا تصویب مجلس بر حسب دستور محمد علی شاه اشخاص ذیل برای بازنگری و دقت بیشتر در قانون دعوت شدند: آقایان: مخیرالملک، صدیق حضرت، حسینعلی خان نوایی، شیخ‌الرئیس، سردار منصور، معین پوشهری، رئیس‌التجار خراسانی و میرزا احمدخان حیدری. سرانجام قانون و نظامنامه‌ها تهیه شد و عزالدوله در سلطنت آباد به نظر شاه و هیئت و زوله رسانید لکن دیگر کار از کار گذشته بود و مجاهدین در شرف تصرف تهران بودند و فرصتی برای این کار نبود. چند روز بعد چنانکه گفته شود شاه به سفارت روس پناهنده شد.

۲۳. سعدالدوله میرزا جوادخان فرزند میرزا جنار ناظم‌المهام از رجال انقلاب مشروطیت بود و در اوائل کار ابوالجمله لقب داشت در تقلیس تحصیل کرد زبان فرانسه را آموخت و وارد دستگاه تلگرافخانه شد و دختر مخیرالدوله بزرگ را گرفت. مدتی وزیر مختار ایران در بلژیک بود، بعد وزیر تجارت و سپس نماینده مجلس شوری گردید و مدتی وزیر خارجه بود و چندی رئیس الوزرا گشت. پس از خلع محمد علی شاه به سفارت روس پناهنده شد و با گرفتن تأمین از آزادبخواهان به اروپا رفت و در ۱۳۳۳ قمری به ایران بازگشت. مردی تندخو و متفرعن بود.

۲۴. مراد احمد قوام‌السلطنه است که چند بار در دوره مشروطه به نخست‌وزیری رسید و در ۱۳۳۴ شمسی درگذشت.

۳۱۸

در این کتاب به شرح و تفصیل آمده است که در این زمان که ایران در حال انقلاب و تغییرات اساسی بود، بسیاری از افراد برجسته و دولتماندان به کشورهای خارجی پناهنده شدند. در این میان، افرادی مانند میرزا جوادخان و مراد احمد قوام‌السلطنه، که در این کتاب به تفصیل به شرح حال آنها پرداخته شده است، از جمله کسانی بودند که به دلیل تعارض با نظام پادشاهی قاجاری، به کشورهای اروپایی فرار کردند. این افراد در کشورهای مختلف به کارهای گوناگونی اشتغال یافتند و برخی از آنها در مقامات دولتی و تجاری نیز به کار درآمدند. این پناهندگان در نهایت به ایران بازگشتند و در دوره مشروطیت و پس از آن، در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی کشور فعالیت کردند.